

اشاره:

غرض از تحریر مقاله حاضر سعی در شناساندن دقت نظر و وسعت اطلاعات ادبی - حقوقی و تاریخی کاتبان عدل و محررین و امضاء جامعه است که امروز به عنوان سران دفاتر اسناد رسمی شناخته می‌شوند. علی‌رغم بضاعت کم نویسنده تلاش گردیده که نمونه‌ای از این متون سرشار از فصاحت و بلاغت را آنگونه که پدیدآورندگان آن را در قالب اسناد همانند حقوق‌دانی ادیب، فاضلان به رشته تحریر درمی‌آورند، نشان دهد تا این اسناد چون ثمری پربار همواره در گلستان معنویت به یادگار بماند.

## نقش ادبیات در علم حقوق<sup>۱</sup>

بدون شک فاخرترین متون ادبی، دست‌مایه محررین دینی هر جامعه است که ارائه متنی استوار را با اخلاص تمام برای جلب رضای معبود و جبهه همت خود قرار می‌دهند و علم حقوق که خود شاخه‌ای منشعب از علم ادیان است در هر جامعه، برخوردار از اسلوب ادیبانه‌ای بوده و باید نیز این گونه باشد و قطعاً جایگاه ادبیات در علم حقوق تشویق و ترغیب برای ادامه اسلوب کهن و حفظ پابندی به متون قدیم از روی تعصب و پیش‌داوری نیست، بلکه احساس فضیلت فرهنگی و استحکام بنای حقوقی است، زیرا امروز محکی قوی‌تر از تجربه سالیان نیست و نثر متعالی و کارآمد همان است که سالیان دراز همچنان پایدار و جاودان مانده و امروز نیز خواست جامعه که در ذهن و اندیشه حقوقی افراد و صاحب‌نظران نفوذ می‌نماید، ادامه همان روش قدیمی است.

ادبیات حقوقی ما سرشار است از آثار جاودان حاصل از ترکیب خلاقیت و تجسم اسرارآمیز کلماتی که تجزیه و تحلیل آن حکایت از محتوایی زیبا و اصولی محکم و رعایت ایجاز و دوری از اطناب دارد و در انشای آراء و یا اتخاذ هر نوع تصمیم قضایی و یا لایحه دفاعیه و تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی سعی در نیل به اهدافی دارد که حاوی اجرای

عدالت و توزیع و بسط آن در جامعه و تحکیم حق الناس و حفظ منافع و نظم عمومی در جامعه است که این تحریرات در انواع مختلف اعم از رأی، لایحه دفاعیه و سند علاوه بر پاسخ‌گویی نیاز مادی دربرگیرنده نیاز معنوی نیز می‌باشد.

در یک تعریف جامع از تحریرات حقوقی می‌توان گفت که تحریرات حقوقی در واقع مجموع تدابیر و اندیشه‌های حقوقی و قضایی است که محرر با استعداد خاص خود و با الهام از دانش حقوقی و تجربه‌ها و اندوخته‌ها جهت رفع نیاز و اعمال حق و رسمیت بخشیدن به معاملات و احوال شخصیه - که علت غایی و رسیدن به خواسته‌های مادی و معنوی است - به کار می‌گیرد؛ که این، خود، ماحصل سال‌ها رنج و تلاش مداوم و پیروی از قواعد کهن بوده است؛ به تعبیر دیگر با نگرش در متون آراء و لوایح و اسناد تنظیمی و آراء هیئت‌های نظارت و شورای عالی ثبت و آرای وحدت رویه عمومی دیوان عالی کشور می‌توان تأثیر عمیق ادبیات در علم حقوق را به وضوح دید که از تراوش‌های قلمی قضات عالی مقام و وکلا و مدیران دوایر مختلف ثبت و سران محترم دفاتر اسناد رسمی با کلامی زیبا بر تارک تاریخ ما می‌درخشد و از مشخصات اصیل و ادبی آنها همین بس که حوزه‌ای وسیع از کلمات را دربرگرفته و ظرافت خاصی از تلفیق معنویت و فرهنگ حقوقی و نظام حاکم بر آن را در خود گردآورده و حاصل تأثیرات موقفیت‌آمیز آن با خمیر نیرومند ادبیات، پدیدآمدن متون غنی و افتخارآفرینی است که از سرمایه‌های دانش حقوقی این سرزمین به شمار می‌آید.

در اینجا از خطابه‌های قضایی که شامل قرائت کیفرخواست توسط دادستان و دفاع وکیل در محضر دادگاه که به نوبه خود مطالب شفاهی منسجم و سرشار از مهارت‌های ادبی حقوقی است و تبحر و تسلط و پیشینه خاصی را در خود دارد، اجتناب می‌کنیم و فقط به نقش تحریری آن می‌پردازیم.

باید گفت که انشاء رأی و تنظیم اسناد با استدلال‌های فراوان، تطبیق شده؛ مفاهیم قانونی و دلایل مستند به آن که مستقیماً در مناسبات حقوقی و اعمال مربوط به آن دخیل بوده و به «نص صریح» تنظیم می‌گردد. صورت سند رسمی از وقایع تاریخی است که با بیطرفی خاص تحریر می‌شود و وجدان جامعه را به صداقت و صحت عقیده معتقد می‌سازد و استنتاجات در این‌گونه آثار آن قدر محکم است که حتی اگر اعتراضاتی هم در پی داشته

باشد، مستند و غیرقابل انکار است، زیرا مطابقت تحریرات با تبیین موازینی که منظور نظر مقنن بوده و با مقتضای واقعی خواسته - اعم از دعوی و معامله و احوال شخصیه - مناسبت داشته، همین ویژگی با ایجاد برقراری نظم و مفاهیم کلی و برقراری رابطه میان موضوعات مختلف و انتخاب نحوه استدلال از مرحله ادراک و تداعی معانی و سرعت انتقال سرچشمه گرفته و فرایند آن سند رسمی است، سندی که بدون نیاز به تأیید در مراجع بالاتر و از زمان وقوع به عنوان لازم‌الاجرا قابل استناد می‌باشد.

و اصولاً شیوه‌ای که در تنظیم اسناد جاری است، حاصل اندیشه‌ها و تجارب گذشتگان و مبتنی بر شناخت و تحلیلیاتی است که از اعلام اراده متعاقدین متبادر شده و به تحریر درآمده است و اساسی‌ترین شکل آن بیان مفاهیم متعارف موضوع با صور گوناگون و با درک معانی الفاظ ادبی است و از آنجا که اغلب اسناد در نزد سردفتران استنباطی است، عرف و عادت فن سندنویسی شکل و فرم سند را مهیا می‌کند. سردفتر در تنظیم اسناد علاوه بر رعایت کلیه قوانین و مقررات و بخشنامه‌ها از قوه استنباط خود استفاده می‌کند و اسناد استنباطی اسنادی هستند که از دانش و تجربه و استمرار کمک گرفته و به صورت علمی و عملی، قابل قبول و مطرح است.

در المنجد آمده است:

أَنْبَطَ الشَّيْءُ = نَبَطَ الشَّيْءُ || أَنْبَطَ الْحُكْمُ: آن حکم را استنباط و کشف کرد و بیرون آورد. گویند: «أَنْبَطَ رَأْيًا حَسَنًا أَوْ مَعْنَى صَائِبًا»: نظریه‌ای زیبا یا معنای درستی آورد - || تَنْبَطُ الْبُئْرُ: چاه را به آب رسانید || إِنْتَبَطَ يَنْتَبِطُ أَنْبَاطًا الْكَلَامَ: آن سخن را با تلاش و کوشش خود کشف و اجتهاد و استنباط کرد || إِسْتَنْبَطَ الشَّيْءَ: آن چیز پنهان را آشکار کرد || إِسْتَنْبَطَ مِنْ فُلَانٍ خَيْرًا: چیز خوبی را از فلانی به دست آورد || إِسْتَنْبَطَ الْفَقِيهَ: فقیه، حکم شرعی یک مسأله را اجتهاد کرد.

و این گونه است که در صحاری سوزان عربستان، آن هنگام که تیشه آخر را بر سینه خاک فرود می‌آوردند و درست قبل از اینکه به آب برسند، می‌گفتند: تَنْبَطُ الْبُئْرُ؛ چاه به آب رسید!

بنابراین، سردفتر با تراوشات قلم خود به یاری قوه استنباط و با تلفیق عرف و عادت، و همگامی با ادبیات غنی حقوقی، سندی تنظیم می‌نماید که هدف آن استحکام بنای روابط

ایمن اقتصادی، اجتماعی و حقوقی است. بدین ترتیب تحکیم امنیت مالی و حاکمیت مالکیت فردی را تضمین و تأمین می‌نماید که به نوبه خود از موارد خاص اعتبار امر مختومه است؛ بدون تأییدیه مراجع فرا دست. و سعی ما در شناساندن اسنادی است که ملهم از مهارت‌های خاص و سرشار از ظرافت‌های متون نغز ادبی - حقوقی می‌باشد. در شماره‌های بعد به نمونه‌های این گونه اسناد اشاره خواهیم کرد.

اینک عبارات کوتاهی از اسناد کهن<sup>۱</sup> که نشانگر تبحر محررین بوده به عنوان نمونه ارائه می‌گردد.

### صورت قبالة نامه: غرض از تحریر و تسوید این سطور بر سطح این صحیفه مستطر

است و مقصد از تحریر این حروف که بر لوح این ذریعه مرتقم است آنکه بفروخت، به مبیاعه صحیحه شرعیه و متعاقدہ مرعیه... یک قطعه باغچه توت مع اشجار مثمره و غیرمثمره که از راه ملکیت برو انتقال شرعی یافته محدود به حدود اربعه حد اول شرقیاً ملک محمد حدثانی غربیاً ملک گل محمد حد ثالث جنوباً شارع عام حد اربع شمالیاً نهر مع جمیع الحدود و حقوق و مضافات و منسوبات خارجه و داخله به مبلغ..... بالطوع و رضا و رشد و اختیار و فقدان اکراه و اجبار و مشتری نیز به خرید و در مجلس عقد اقباض ثمن و مثن گردید و ملتزم اسقاط دعوی خیار غبن و ان کان فاحشا نمودند.

### صورت اجاره نامه: غرض از تحریر این کلمات شرعیه آن است که بفروخت

(نورمحمد) محصولات صیفی و برگ توت یک قطعه باغچه خود را به طریق اجاره به مبلغ... وجه و عقد درست و صحیح شرعی واقع گردید. معانیا و مشاهدات، قبض و اقباض ثمن و مثن گردید و شرط بر این جاری گردید هرگاه تا انقضای مدت معلوم، مدعی غیر به هم رسد عهده و غرامت آن بر عاقد مذکور است یا رد ثمن و یا تخلیص مثن نماید.

**باطل نامه بیع شرط:** اعتراف نمود عزت مآب محمد یوسف... چون مبلغ... وجه به موجب تمسک شرعی در ذمت محمد بنی... بوده وجه تمسک حاضر بوده و هرگاه ظاهر شود باطل و عاطل شده و اعتبار از درجه آن ساقط گردد.

۱. مطالب از کتاب «دین خرم» پژوهش و گزارش محسن فرزانه انتخاب گردیده است.

**محضر نامه:** استشهاد و استخبار و استعلام می‌رود از اهالی و متوطنین.... بر آنکه امروز دنیاست و فردا بازار قیامت است و پای میزان عدالت که قبل از این جماعت.... چند قطعه زمین بیاض به نحوی از رعایای محل مزبور ابتیاع و در ایام با تعدی و گستره تحصیل داران ملک را متصرف شده‌اند، هرکس از این معنی اطلاع داشته باشد اسم خود را در حواشی این صحیفه قلمی نماید.

**جهت محضر:** باعث بر تحریر این کلمات شرعی آنکه چون دعوی که در باب اربت فی‌مابین شخص قوجه نام و شخص ولی نام واقع، در این وقت به اتفاق یکدیگر به مجلس شرع انور حاضر شدند و ادا نمودند.... به مسمی قوجه نام مدعی مزبور را بینه لازم شد و از ثبوت قول خود عاجز ماند و قسم متوجه مدعی علیه گردید و مدعی مذکور از سر تحلیف برخاسته به وساطت مصلحین خیراندیش به مبلغ..... وجه مصلحت نمودند قطع نزاع حاصل گشت و مدعی به وصول وجه مصلحه تصرف شد و هرگاه بعد الیوم من الایام فی‌مابین ایشان در این باب دعوی و نزاعی بوده باشد باطل و عاقل از درجه اعتبار ساقط بوده مسموع شریعت عزا نشود.

**طلاق نامه:** سبب از تحریر این کلمات شرعی و تسطیر این مقالات سمعی آنکه مسمی حسن بن فلان به رضا و رغبت خود طلاق داد منکوحه خود را و مخالفه درست و شرعی نمود او را....

**خدانامه:** توفیق الهی رفیق حال و هدایت نامتناهی بدرقه احوال سعادت و رفعت پناه رستم بیک... گردید که از جمیع مناهیات و نامشروعات خصوصاً از شرب خمر که ام‌الخبایث است توبه «نصوح» نموده...

در شماره‌های آتی مجله انواع دیگر اسناد متداول بررسی خواهد شد.